

روشن‌تر پیستی می‌تونی بر

عادت

روشنی فراموش شده

حمید جعفریان یسار

دانشیار و استاد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت - قم



مقدمه

بعضی رفتارها، اظهار خرسندی می‌نمایند. آن‌ها در بین صحبت‌های خود کلمه «عادت» یا «عادات» را به کار می‌برند. حال اگر خواسته شود که درباره کلمه «عادت» مطالبی را بیان کنند، شاید نتوانند، به راستی ماهیت «عادت» چیست؟ «عادت» چه زمانی تشکیل می‌شود؟ چرا باید بعضی از

بسیاری از معلمان و والدین از بعضی رفتارهای دانش‌آموزان و فرزندان خود شکایت می‌کنند و عده‌ای نیز از

«عادات» را ترک گفت و به بعضی دیگر اهمیت داد و آن‌ها را تقویت کرد؟ به چه دلایلی، دانش‌آموزان باید به یک سلسله از رفتارها «عادت» نمایند و بعضی را نیز ترک کنند؟ و از همه مهم‌تر، آیا «عادت» یک روش تربیتی است؟ آیا «عادت» کردن مانع تفکر نیست؟ آیا «عادت» کردن، رباطی شدن (ماشینی شدن) نیست؟ و سؤال‌های دیگر... بسیاری از دانشمندان، فیلسوفان و متفکران تعلیم و تربیت از زمان‌های بسیار دور، درباره موضوع «عادت» بحث کرده‌اند.

«عادت»، مقوله‌ای بسیار مهم است. اهمیت آن حداقل از لحاظ سیر تاریخی قابل بررسی است. دانشمندانی چون: افلاطون، ارسطو، حضرت «علی»، علیه‌السلام، امام «محمد غزالی»، «فارابی»، «سعدی»، شیخ الرئیس «بوعلی سینا»، «روسو»، «دیویی»، و... راجع به موضوع «عادت» سخن گفته‌اند و بسیاری نیز آن را مستقیماً با تعلیم و تربیت مربوط دانسته و توصیه کرده‌اند که از آن به خوبی بهره گرفته شود. اگر مقوله مهمی چون «عادت» در تعلیم و تربیت پذیرفته شود - که انکار آن عقلی، علمی و منطقی نیست - پس ضرورتاً، توجه به آن می‌تواند فایده‌های مهمی به همراه داشته باشد که در دراز مدت نفع آن به کل جامعه باز خواهد گشت، نفعی که نمی‌توان از آن چشم پوشید.

مقاله حاضر سعی می‌کند مفهوم و ماهیت «عادت» را روشن سازد و به دنبال این است که بداند آیا «عادت» یک روش تربیتی است یا خیر؟ به همین منظور، سخنان و نظریات دانشمندان، فیلسوفان و متفکران تعلیم و تربیت مورد مقایسه قرار می‌گیرد. در این میان، سخنان حضرت امام علی (ع)، مورد عنایت بیش‌تری خواهد بود. در حقیقت دیدگاه‌های آن امام همام، ضمن اعتباردهی، نگاهی اسلامی به بحث نیز خواهد بود، زیرا بسیاری از ما «علمی‌ها!» «عادت» کرده‌ایم که مطالب علمی خود را در غرب جست و جو کنیم، در حالی که «آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم.»

معنا و مفهوم «عادت»

«عادت» کلمه‌ای است اسم و عربی. شکل عربی آن «عاده» بوده، معنای آن شامل: «خوی، آن چه به آن خوی بگیرند، کاری که انسان به آن خو بگیرد و در وقت معین انجام بدهد»، است. (عمید، ۱۳۶۹، ص ۱۰۹) در لغت نامه دهخدا، راجع به «عادت» مطالب زیر آمده است: «عادت

کلمه‌ای عربی و اسم است. فارسیان به معنی رسم و آیین نیز استعمال کنند و با لفظ گردانیدن، نهادن، بر داشتن، کردن، دادن و گرفتن مستعمل نمایند. غلامان و ستوران افزون از عادت، رسم خریدن گرفتند. عادت و رسم این گروه ظلم، نیک ماند چوبنگری به ظلم. به خدمت پادشاهان نبوده‌ای و عادت خوی ایشان پیش چشم نمی‌داری. عادت بود که هدیه نوروز آورند، آزادگان به خدمت بانوی شهریار. مگر آن که سخن گفته شود به عادت مألوف. هر زمینی سعادت دارد، هردهی عادت دارد.» (دهخدا، ۱۳۴۱)

در لاتین، مقابل کلمه «عادت»، HABIT به معنای عادت، خو؛ CUSTOM به معنای رسم، سنت، عرف و عادت، یا کلمه HABITUATE را آورده‌اند. (حییم، ۱۳۷۲، ص ۵۴۹) در جای دیگر، مقابل «عادت»، HABIT، معانی: خلق، خو، خصلت، راه، رسم و اعتیاد آمده است و HABITUAL به معنای: عادی، معمولی، عادت کرده، معتاد ناشی از عادت. HABITUALLY به معنای، بنابر عادت، از روی عادت و طبق معمول. HABITUATE به معنای عادت کردن. (باطنی، ۱۳۷۳، ص ۴۵۱) هم‌چنین در فرهنگ لغت، واژه CUSTOM به معنای رسم، سنت، عرف و عادت و واژه CUSTOMARY به معنای رسوم، رسم، معمول و همیشگی به کار رفته‌اند. (همان منبع)

با توجه به معانی بالا، آن چه از کلمه «عادت» می‌توان فهمید، عبارت از این است که انسان در زندگی خود، یک سلسله کارهای ثابت را تکرار می‌کند. این تکرار قطع نمی‌شود و نام آن «عادت» است. به طور معمول اگر کسی کاری را به شکل متناوب تکرار کند، گفته می‌شود که به آن «عادت» کرده است، مانند مسواک زدن قبل از خواب. به طور کلی «عادت» یعنی تکرار یک کار معین. به نظر می‌رسد انسان‌ها، هر یک به کار مشخصی «عادت» دارند. هر فرد حداقل به یک کار «عادت» دارد.

شناخت‌شناسی «عادت»

فیلسوفان و دانشمندان متعددی راجع به «عادت»، در کتب مختلف، تعاریفی را آورده‌اند و به بیانی دیگر هر یک از آن‌ها، درباره «عادت»، شناخت‌های متفاوتی داشته‌اند. برای شناخت بهتر و بیش‌تر، به تعدادی از تعاریف مطرح شده توسط دانشمندان، پرداخته می‌شود.



افلاطون:
تربیت،
فضیلتی است
که در آغاز،
کودک کسب
می‌کند. این
تربیت عبارت
است از تشکیل
عادت‌های
نیک.

«افلاطون» فیلسوف یونانی که حدود ۴۵۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌زیسته است، اولین مؤسس دانشگاه در جهان، به نام «آکادمی» است. دیدگاه وی راجع به تعلیم و تربیت و «عادت»، چنین است: «منظور من از تربیت (پائیدا) فضیلتی است که در آغاز، کودک کسب می‌کند. این تربیت عبارت است از تشکیل عادت‌های نیک و ابتدایی‌ترین احساسات یعنی: لذت، مهر، الم و کینه؛ به صورتی است که خود به خود با عقل که بعد از آن در کودک پدید می‌آید، هماهنگ گردد.» (کاردان و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۱۷۱)

«افلاطون» در جای دیگری راجع به «عادت»، چنین گفته است: «منظور من از آموزش و پرورش، آموزشی است که از طریق اکتساب عادت مناسب بر نخستین غرایز فضیلتی کودک عرضه می‌شود و شادی و الم به شیوه‌ای صحیح در نفوس نامتعقل، بذرافشانی می‌گردد.» (شفیلد، ۱۳۷۵، ص ۴۸)

ارسطو

«ارسطو» هم عصر «افلاطون» و از شاگردان اوست. «ارسطو» واضع علم منطق است. نظر «ارسطو» درباره «عادت» چنین آورده شده است: «فضایل اخلاقی، مولود فطرت و طبیعت نیست، زیرا آن چه وجودش تابع طبیعت و فطرت است، بر اثر عادت مبتذل نمی‌شود. چنان که طبیعت سنگ چون به سقوط گرایش دارد، اگر هزار بار سعی شود که سنگ را به هوا پرتاب کنند - به قصد این که به این عادت برسد - به هیچ وجه دست از طبیعت خود یعنی سقوط بر نمی‌دارد. همین طور، به هیچ وجه نمی‌توان، آتش را از صعود به وسیله عادت بازداشت و آن را به سوی پایین کشاند. به طور کلی هر آن چه بالطبع است، بر اثر عادت تغییر نمی‌پذیرد. بنابراین فضیلت، نه بروفق طبیعت و نه برخلاف

آن پدید نمی‌آید، بلکه طبیعت، استعداد کسب فضایل را ارزانی می‌دارد. این استعداد به وسیله عادت به کمال می‌رسد.» (عطاران، ۱۳۶۶، ص ۳۹)

«ارسطو» در جای دیگر، «عادت» را بنیاد تربیت دانسته و چنین گفته است: «علی‌هذا ایجاد عادت گوناگون از بدو صباوت (کودکی)، امری بی اهمیت نیست، بلکه واجد ارزش فوق‌العاده است. به عبارت دیگر مطلب در همین نکته نهفته است... معمار شدن مستلزم ساختمان کردن، و تار زنی، مرهون نواختن مکرر است. خواه ساز زن ماهر و خواه ساز زن بی‌هنر، برای هنر معماری و همه اقسام فنون دیگر، این نظر صادق

ارسطو «عادت»
را بنیاد تربیت
می‌داند و
می‌گوید: ایجاد
عادت
گوناگون از بدو
کودکی، امری
بی‌اهمیت
نیست، بلکه
واجد ارزش
است.

امام محمد غزالی

«غزالی»، یکی دیگر از دانشمندان برجسته جهان اسلام است. او نیز درباره «عادت» در کتب خود مطالبی را آورده است. دیدگاه او، تقریباً مبسوط تر از دیگر دانشمندان اسلامی است. به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

«غزالی» اعتقاد دارد که کسب فضایل و اخلاق نیکو با ریاضت و تکلف امکان‌پذیر است و به این وسیله در نفس رسوخ پیدا می‌کند و جزء و طبق خوی او می‌گردد. پس از آن که شخص به آن «عادت» کرد، آن را به آسانی انجام خواهد داد و این طریق تکرار و مواظبت و اشتیاق به نیکی‌ها و کرامت، از زشتی‌ها و ترک آن میسر می‌شود. این عالم جهان اسلام، شکل‌گیری شخصیت را در اهمیت و تأثیر «عادت» دانسته، می‌گوید: «تمام این اخلاقیات، ثمره عادت و استمرار

بر یک طریق و روش است.»
(کاردان و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۳۰۲)

غزالی: اخلاق

نیکو در بعضی

موارد به

صورت فطری

است و گاه به

وسیله عادت

کردن به

کارهای نیکو و

گاه با مشاهده

نیکوکاران پیدا

می‌شود.

حاصل می‌شود و گاه به وسیله تعلم به وجود می‌آید.»
(کاردان و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۳۰۳)

امام «محمد غزالی» در تربیت کودک توصیه کرده است که به خوبی از روش «عادت»، بهره گرفته شود: «پس [به] هر کاری [که] نیکو [است] عادت کند، خلق نیکو، اندر وی پدید آید و سراین که شریعت، کار نیکو فرموده است، این است که مقصود از این، گرویدن دل است از صورت زشت به صورت نیکو و هر چه آدمی به تکلف (رنج و زحمت) عادت

است. خوب ساختمان کردن موجب می‌شود که معمار خوب، و بد ساختمان کردن سبب می‌شود که معمار بد پدید آید.» (همان منبع، ص ۳۹)

ابن مسکویه

«ابن مسکویه» از دانشمندان و فیلسوفان برجسته جهان اسلام است. دیدگاه او درباره «عادت»، چنین آورده شده است: «عادت»، «حالتی است از درون انسان که او را به انجام عمل بدون نیاز به اندیشه و تأمل سوق می‌دهد.» (حجتی، ۱۳۶۱، ص ۹۸) ابن مسکویه در جای دیگر آورده است: «پادشاهان و بزرگان ایرانی، کودکان و جوانان خود را در منازل خویش و در آسایش تربیت نمی‌کرده‌اند... و آن‌ها را به نواحی دور فرستاده، تربیت آن‌ها را به صاحبان زندگی خشن و نه به اصحاب تنعم و عیش، واگذار می‌کرده‌اند.» (کاردان و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۲۹۵) بنابراین «ابن مسکویه»، اساس «عادت» و تربیت را در راحت‌طلبی و ناز و تنعم نمی‌بیند. به بیان او «عادات» خوب در تحمل رنج‌ها و سختی‌ها قابل حصول است.

ابن مسکویه:

«عادت»، حالتی

است از درون

انسان که او را

به انجام عمل

بدون نیاز به

اندیشه و تأمل

سوق می‌دهد.

ابونصر فارابی

«عادت» از دیدگاه «فارابی»، فیلسوف و دانشمند مسلمان، بیش‌تر توضیح و تشریح نظریات «افلاطون» و «ارسطو» است و به‌طور کلی «فارابی» تعاریف خود را از زبان یونانیان گرفته است: «استعداد طبیعی بر عادت غلبه دارد، هم چنان که دشوار است، آدمی به وسیله عادت، اخلاق خود را دگرگون سازد و...، اخلاق عاداتی‌اند که به وسیله تمرین و ممارست دگرگون نمی‌شوند.» (الفاخوری والجر، ص ۴۰۷) «فارابی» برای استعدادها فطری اهمیت زیادی قایل است و اعتقاد دارد، به آسانی نمی‌توان استعدادها فطری را تغییر داد و چنین کاری برای افراد بسیار مشکل است. به اعتقاد «فارابی»، «عادت»، امری اکتسابی است.

درخت قوی است و من ضعیفم، صبر کنم تا دیگر سال. گویند این ابله را نگر، درخت دیگر سال قوی تر شده باشد و تو ضعیف تر. درخت شهوت نیز هر روز قوی تر باشد که به وی کار همی کنی و تو هر روز از مخالفت عاجز تر باشی، و هر چند پیش گیری کنی، آسان تر.» (عطاران، ۱۳۶۶، ص ۳۸)

ابن سینا

«شیخ الریس ابوعلی سینا» از مفاخر جهان اسلام است. این فیلسوف بزرگ، در باب تعلیم و تربیت و روش تربیتی «عادت» مطالب مفیدی عنوان کرده است. به نظر «بوعلی»، «عادت» یعنی: «تکرار زیاد یک عمل در زمان های نزدیک به هم که در دراز مدت ادامه می یابد.» (عطاران، ۱۳۶۶، ص ۴۰)

«بوعلی سینا» در جای دیگری، راجع به «عادت» که ارای یک سیر تربیتی است، گفته است: «پس از بازگیری کودک از شیر مادر، مربی باید تأدیب و بهسازی اخلاق کودک را بیاغازد. بنابراین شایسته است که سرپرست کودک، وی را از کارهای زشت بازداشته، با ترساندن، با تشویق، ایجاد

اینس یا مانوس کردن، رو گردانیدن یا توجه به او، عادت های زشت را از وی بازستاند.» (کاردان و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۲۷۷)

ابن سینا: پیش از آن که بچه به خوی های بد و عادات زشت آشنا گشته، صورت آنها را در صفحه نفسش بندد، باید او را با اخلاق نیکو و صفات پسندیده و عادات ستوده مواجه ساخت.

«بوعلی»، همانند اغلب دانشمندان و حکیمان اسلامی، تعلیم و تربیت را براساس شکل گیری «عادت» ها می داند. البته هیچ گاه منظور از «عادت»، «عادات» خود ساخته که به صورت ناخودآگاه و طبیعی شکل می پذیرد نیست، بلکه مراد، تشکیل «عادات» براساس معیارهای عقلانی و به طور کاملاً آگاهانه است، زیرا طرح حکمت عملی به ویژه اخلاق در آثار آنها بدین معنی است که نباید انسان را رها گذاشت تا بر اتفاق، «عادت های» را کسب کند، بلکه «عادت» پذیری، باید براساس تعقل و طبق مقررات ویژه ای باشد. (کاردان و دیگران،



کند، طبع وی می شود که کودک، اندر ابتدا از دبستان (مکتب) و از تعلیم، گریزان بود و چون وی را به الزام به تعلیم فرا دارند، طبع وی می شود و چون بزرگ شود، همه لذت وی از علم بود، خود از آن صبر نتواند کرد، بلکه کسی که کبوتر بازیدن یا شطرنج بازیدن یا قمار بازیدن عادت گیرد، - چنان طبع وی می گردد- همه راحت های دنیا هر چه دارند، سر آن دهد و دست از آن نیندازد (بر ندارد)، بلکه چیزهایی که بر خلاف طبع است به سبب عادت، طبع گردد.» (عطاران، ۱۳۶۶، ص ۱۱-۱۲)

برای «غزالی»، «عادت» اهمیت ویژه ای دارد، خصوصاً در دوران کودکی. وی در این باره گفته است: «و مثل تو چون کسی است که وی را گویند، درختی را از بیخ بکن. گوید این

چنین گفته است: «عادت برابر است با قانون مداومت.» (سپهری، ۱۳۲۵، ص ۲۵) «لایب نیتس» در این تعریف بسیار کوتاه، در واقع «عادت» را با تکرار یکی دانسته و آن را از نظریه یا تئوری، به قانون تبدیل کرده است. قانون شدن یک امر، یعنی نداشتن استثنا و به سخن «علمی‌تر»، استثنای آن به حداقل ممکن رسیدن است. بنابراین «لایب نیتس»، «عادت» را برای انسان‌ها، یک قانون کلی بیان داشته است.

صبوری اردوبادی

در کتاب نقش تربیتی «عادت»، درباره «عادت» چنین آمده است: «عادت عبارت است از تمام تظاهرات و فعل و انفعالاتی که ابتدا به صورت اتفاقی یا غیر ارادی، به علتی خود به خود ظاهر، ولی پس از تکرار نوسانات تطبیقی، بالاخره تبدیل به عادت می‌شوند.» (صبوری اردوبادی، ۱۳۶۰، ص ۲۶) به بیان «صبوری»، «عادت» از رخدادهای کاملاً تصادفی آغاز می‌شود و با تکرار و تمرین به مقوله «عادت» تبدیل می‌شود.



عطاران

عطاران در کتاب خود، درباره «عادت» چنین آورده است: «فضیلت عادت هم به شرم منتسب می‌شود و هم به خیر و موقعی که با خیر تصادف می‌کند، علت همانا اتفاق مساعد است نه احساس و درک زیبایی و هماهنگی که در خیر موجود است.» (عطاران، ۱۳۶۶، ص ۴۱) هم چنین «اشخاصی که فضیلت عامیانه و سیاسی را به نام احتیاط و عدالت پیروی می‌کنند، به شکل زنبور عسل و مورچه می‌شناسانند، زیرا این فضیلت زاینده عادت و تکرار است.» (همان منبع)

در واقع «عطاران»، با «عادت» به نوعی مخالف است و به زعم او، در «عادت» شعور وجود ندارد، یا به حداقل ممکن می‌رسد. همان مثال که برای کارهای ماشینی و تکراری زنبوران و مورچگان می‌توان آورد.

۱۳۷۴، ص ۲۷۷.

هم چنین «بوعلی سینا»، وظیفه پدران و مادران را در خصوص «عادت» فرزندان به زشتی‌ها چنین بیان داشته است: «پیش از آن که بچه به خویهای بد و عادات زشت، آشنا گشته، صورت آن‌ها را در صفحه نفسش بنده، باید او را با اخلاق نیکو و صفات پسندیده و عادات ستوده، مواجه ساخته، وجودش را بر آن‌ها بیاراست. باید بچه را از کارهای بد، دور و از عاداتی که عیب شمرده می‌شود، برکنار نمود.» (عطاران، ۱۳۶۶، ص ۳۸)

لایب نیتس

«لایب نیتس» از دانشمندان اروپایی، راجع به «عادت»

«عادت» اگر به شکل ثابت و جامد در آید، و منظور صرفاً ایجاد «عادت» بدون شرکت فعال اندیشه و تجربه باشد، امری است منفی و ایجاد آن صرفاً کارآموزی است، اما اگر «عادت» در معرض تجربه و بازسازی باشد و با شرکت فعال اندیشه و ذهن تحقق یابد، امری است مثبت و کوشش در تحقق آن «آموزش و پرورش» است.

دیگر از آن جدا شدنی نبوده و به منزله طبیعت ثانوی است... عادت با حیات همراه است، اما فقط روح انسانی است که به طبیعت چیزی اضافه نکرده و به خویشتن، اشکال عالی علم و هنر و فضیلت را عطا می نماید.» (سپهری، ۱۳۲۵، ص ص ۶-۱۱)

امیل دورکیم

«دورکیم» جامعه شناس فرانسوی راجع به «عادت» چنین گفته است: «تابعیت اخلاقی باید از دو وجه سرشت کودکان استفاده کند. تأثیر شدیدی که عادت بر رفتار کودکان می گذارد و نتایجی که می توان از طریق اعمال بزرگ ترها به دست آورد. عادات می توانند در قالب انضباط اخلاقی ریخته شوند، ولی معلم نیز باید خود را به عنوان نمونه اخلاق عرضه کند.» (علاقه بند، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷)

روان شناسان پندارگرا و رفتارگرا

پندارگرایان و رفتارگرایان، یادگیری را تشکیل «عادت» بیان کرده اند. آنان بر قانون تکرار و تمرین، به عنوان وسیله ای مناسب برای ایجاد «عادات» مناسب رفتاری، تأکید می ورزند. حتی شناخت گرایان نیز یادگیری را بیش تر از طریق «عادت» دانسته اند. آنان «عادت» را عاملی مهم و مؤثر که می تواند کردار فرد را بر پایه بینش، استوار کند، می دانند. آنان اعتقاد دارند، هنگامی که به وسیله تعمیم، تفکیک و نوسازی، در شناخت شناسی فردی، تغییری حاصل شود، دلیلی است بر تغییر ادراک فرد. به عبارت دیگر، یک رویداد معنادار، دارای سیر مشخصی است و فرد می داند چه اعمالی، چه نتایجی به دنبال دارد و این اساس «عادت» است. «عادت» انسان را قادر می سازد تا هوشمند عمل کند؛ زیرا در بسیاری از موارد (در تکرار)، اندیشیدن وجود ندارد. در موارد بسیاری نیز وقت زیادی صرف می شود که این کار هم زیان بخش است. بنابراین از دیدگاه این گروه «عادت» به دو قسمت خوب و بد تقسیم می شود و لذا تعمیم «عادت» سودمند، ضامن سلامت و سعادت آدمی است. (پارسا، ۱۳۷۲، ص ۱۱۳)

شهید مطهری

استاد «مطهری» راجع به «عادت» چنین بیان داشته است: «تعریف علمای قدیم از تربیت، همان تشکیل ملکات

ژانه و سه آی

«سه آی» از فلاسفه و دانشمندان برجسته غرب است. وی راجع به «عادت» مطالبی را بیان کرده که به بعضی از آن ها اشاره می شود: «عادت به مرور و به تدریج، در نتیجه حرکتی که طبیعی و فطری نبوده، و مکرراً تکرار می شود، به وجود می آید... اعمال اند که معین کننده عادت اند. از تکرار هر چیز، عادت به وجود می آید... عادت مثل نوعی طبیعت است، هم چنان که به واسطه عمل طبیعت، اشیا یکی بعد از دیگری به وجود می آید، هم چنان عادت نیز به واسطه عمل روح، ایجاد می شود و چیزی که مکرراً تکرار می شود، تولید طبیعت است... عادت مثل حقیقتی می شود فطری، زیرا عادت چیزی است شبیه طبیعت، در واقع مکرر به همیشه نزدیک و از طرفی، طبیعت بسته به همیشه و عادت بسته به مکرر است... لذت روح در تکرار عمل است و هر چه بیش تر عمل تکرار شود، تمایل روح به اعمال آن نیز زیادتر گردد و می خواهد آن را در جهت واحد به وضوح معین تکرار نماید... روح از تکرار آن چه یک دفعه به جا آورده شود، لذت می برد، تکرار عمل تشکیل شکلی می دهد که

پندارگرایان و رفتارگرایان، یادگیری را تشکیل «عادت» بیان کرده‌اند. آنان بر قانون تکرار و تمرین، به عنوان وسیله‌ای مناسب برای ایجاد «عادات» مناسب رفتاری، تأکید می‌ورزند.

اخلاقی از فضایل انسانی است، به صورتی که طبیعت ثانوی افراد شود، و... فن تربیت همان فن تشکیل عادت است و این تعبیر از تربیت، یعنی ساختن به منزله ماده‌ای انعطاف پذیر که می‌توان او را با فضیلت‌های نیکو یا رذایل قبیح، شکل داد.» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ص ۷۸-۷۷)

از نگاه استاد «مطهری»، «عادت» دو گونه است. «عادات» فعلی و «عادات» انفعالی. «عادات» انفعالی، «عاداتی» اند که به عامل خارجی ارتباط نداشته، بلکه انسان کاری را با تمرین و تکرار آموخته، بدون این که یک عامل خارجی در آن مؤثر باشد. در واقع انسان در چنین حالتی، با «عادت» مذکور انس گرفته و اسیرش می‌شود. استاد مطهری با چنین «عادتی»، کاملاً مخالف است. (همان منبع، ص ص ۹۰-۸۹) استاد «مطهری»، «عادت» فعلی را ارزشمند و مفید توصیف کرده است. به بیان او، در «عادات» فعلی نوعی انسان‌سازی و انسان شدن وجود دارد.

خسرو باقری

«خسرو باقری» یکی از دانشمندان و فیلسوفان معاصر دنیای اسلام است. این فیلسوف ایرانی درباره «عادت» اعتقاد دارد: «خصیصه ظهور تدریجی شاکله واصل مداومت و محافظت عمل در تربیت دارای اهمیت ویژه‌ای است. مداومت بدون محافظت، سازنده عادات سطحی و خشک است و محافظت بدون مداومت، اصلاً سازنده نیست، زیرا حالی است که هر چند بسیار متعالی باشد زایل خواهد شد.» (باقری، ۱۳۶۸، ص ص ۹۷-۹۳) از دیدگاه «باقری»، فرایض، ابزاری برای تداوم عمل‌اند. در حقیقت وی، «عادت» را مهم دانسته، اما برای آن ابزار خاص، قایل است.

مخالفان «عادت»

دانشمندانی وجود دارند که با «عادت» و «عادت» کردن مخالف‌اند. «عادت» از دیدگاه آنان مانع رشد و توسعه است. به عبارت دیگر، «عادت» یعنی تکرار و در تکرار تفکر نیست و در جایی که تفکر نیست تغییر و تحول نیز دیده نمی‌شود.

امانوئل کانت

«کانت» در مورد «عادت» شدن کارهای مخاطره‌انگیز آورده است: سعی در «عادت» دادن کودک به هر چیزی مخاطره‌انگیز است و آن باعث سلب استقلال و آزادی در کودکان خواهد شد. در واقع «کانت» بهترین کار لازم را، بازداشتن بچه از تشکیل «عادت» دانسته است. (عطاران، ۱۳۶۶، ص ص ۴۵) به نظر «کانت» باید کودک را از ایجاد هر «عادتی» باز داشت.

ژان ژاک روسو

«روسو» طبیعت‌گرای سویسی الاصل، در کتاب معروف خود «امیل» گفته است: «باید او را عادت دهیم که به هیچ چیز عادت نکند.» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ص ۸۲) درست است که «روسو» با «عادت» مخالفت کرده است، اما در جمله او به نوعی «عادت» نیز قابل درک است.

جان دیویی

«دیویی» دانشمند روان‌شناسی امریکایی، اساس تعلیم و تربیت را تجربه و تجربه‌گرایی می‌داند. وی با «عادت» مخالف است و اعتقاد دارد: «تشکیل عادت در کودکان، آن‌ها را برای تطبیق با شرایط متغیر محیطی و زمانی خویش عاجز ساخته، پایه شکست افراد را در روزگار خویش فراهم می‌سازد.» (کاردان، ۱۳۷۴، ص ص ۲۵۱)

«دیویی» در جای دیگری موافقت ضمنی خود را با مقوله «عادت» ابراز کرده است. او در کتاب سرشت و رفتار انسان،

امانوئل کانت: سعی

در «عادت» دادن

کودک به هر چیزی

مخاطره‌انگیز است

و آن باعث سلب

استقلال و آزادی

کودکان خواهد شد

در واقع «کانت»

بهترین کار لازم

بازداشتن بچه

از تشکیل «عادت»

دانسته است

جان دیویی با «عادت» مخالف است و اعتقاد دارد: «تشکیل عادت در کودکان، آن‌ها را برای تطبیق با شرایط متغیر محیطی و زمانی خویش عاجز ساخته، پایه شکست افراد را در روزگار خویش فراهم می‌سازد.

منابع:

- عمید، حسن: فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، سپهر، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۹.
- دهخدا، علی اکبر: لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۱.
- حبیب، سلیمان: فرهنگ یک جلدی فارسی - انگلیسی حبیب، انتشارات فرهنگ معاصر، نوبهار، تهران ۱۳۷۲.
- باطنی، محمد رضا و آذر، فاطمه: فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی، انتشارات فرهنگ معاصر، نوبهار، تهران ۱۳۷۳.
- کاردان، علی محمد و دیگران: فلسفه تعلیم و تربیت، انتشارات سمت، مهر، قم ۱۳۷۴.
- شفیق، هری: کلیات فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه غلامعلی سرمد، انتشارات قطره، آفتاب، تهران ۱۳۷۵.
- عطاران، محمد: آرای مریبان مسلمان درباره کودک، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران ۱۳۶۶.
- حجتی، سیدمحمد باقر: روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۱.
- لفاخوری، حنا و الجری، خلیل: تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالحمید آیتی، انتشارات بی‌جا، تهران.
- سپهری، برزو: آرای فلاسفه درباره عادت، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۲۵.
- صبوری اردوبادی: احمد: نقش تربیتی عادت، انتشارات هدی، تهران ۱۳۶۰.
- علاقه‌بند، علی: جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، نشر روان، تهران ۱۳۷۶.
- پارسا، محمد: روان‌شناسی یادگیری، مؤسسه انتشارات بعثت، تهران ۱۳۷۲.
- مطهری، مرتضی: تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۷۱.
- باقری، خسرو: نگاهی به تربیت اسلامی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، تهران ۱۳۶۸.
- اسکفلر، اسرائیل: چهار پراگماتیست، ترجمه محسن حکیمی، نشر مرکز، پنگونن، تهران ۱۳۶۶.

به بحث راجع به «عادت» و «انگیزه» پرداخته است. به نظر او، «عادت» در سنن اجتماعی، در پدیدآیی و جهت‌یابی انگیزه‌ها مهم است و ارائه فهرستی از غرایز فطری، کاردرستی نیست. «در زندگی فرد، فعالیت غریزی مقدم است، اما فرد زندگی را به مثابه یک کودک آغاز می‌کند و کودکان موجودات وابسته‌ای هستند، اگر حضور و کمک بزرگان با عادت شکل گرفته‌شان نبود، فعالیت کودکان حداکثر برای چند ساعت می‌توانست ادامه یابد.... آن‌ها امکان نمایش فعالیت فطری‌شان را به طرق «با معنی» به بزرگ‌ترها مدیون‌اند.» (اسکفلر، ۱۳۶۶، ص ص ۲۸۲-۲۸۱)

«دیویی» در جای دیگری ادامه می‌دهد: بدین گونه انگیزه و «عادت» در هم آمیخته‌اند، البته «عادت» ضمن این که دارای نقش مثبت است، در برخی موارد ممکن است نقش منفی داشته باشد. «عادت از طرفی مستلزم ثبات و تکرار فعالیت‌های انسان است و از طرف دیگر باعث صرفه‌جویی در صرف نیرو و تسهیل فعالیت‌ها و تغییر و رشد می‌شود. عاداتی که با فکر و تأمل ملازم باشند، شخص را به تازه‌جویی و ابتکار و رشد سوق می‌دهند، ولی عادت انفعالی یا کورکورانه و ماشینی جریان رشد را قطع می‌کند.» (کاردان و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۲۵۱)

به عبارت دیگر، «عادت» اگر به شکل ثابت و جامد در آید، منظور صرفاً ایجاد «عادت» بدون شرکت فعال اندیشه و تجربه باشد، امری است منفی و ایجاد آن صرفاً کارآموزی است، اما اگر «عادت» در معرض تجربه و بازسازی باشد و با شرکت فعال اندیشه و ذهن تحقق یابد، امری است مثبت و کوشش در تحقق آن «آموزش و پرورش» است. (کاردان، ۱۳۷۴، ص ۲۵۱).

ادامه دارد